

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سلاطین پژوهش و فن آوری
به نام خدا
شورای عالی پژوهش

بیامدی از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و بر منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر بر اهمیت جایگاه دانشگاه در اعلائی فرهنگ و تمدن بشری، مادی انجمن و اعضاء بیست علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری بر آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد بر رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد بر رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد بر اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد بر صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشورهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد بر رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و نموداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد بر رواج دانش و ابداع نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانست: التزام بر برانست جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شبه های غیر علمی می آلائند.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد الکترونیکی

تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب کمال رئوف دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپيوسته در رشته حقوق خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰ از پایان نامه خود تحت عنوان "جبران صدمات معنوی بصورت همگون و پیشگیری از وقوع دوباره آن توسط شخص خاطی" با کسب نمره ۱۸ دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و روبه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: کمال رئوف

تاریخ و امضاء: ۱۳۹۵/۶/۱۰

در تاریخ: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای کمال رئوف از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۸ و بحروف هجده و با درجه بسیار خوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضا استاد راهنما

دکتر حسین انگورج تقوی



**دانشگاه آزاد اسلامی
واحد الکترونیکی**

دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق (M.A)

گرایش :

خصوصی

عنوان :

جبران صدمات معنوی بصورت همگون و پیشگیری از وقوع دوباره آن توسط شخص خاطی

استاد راهنما :

دکتر حسین انگورج تقوی

نگارش :

کمال رؤف

تابستان ۱۳۹۵

تشکر و قدر دانی:

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

بدون شک جایگاه و منزلت استاد، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تجلیل از استاد، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ":

از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر حسین انگورج تقوی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین از سرکار خانم دکتر مهشیدالسادات طبایی مدیر محترم گروه حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد که به همراه سرکار خانم دکتر شکوه نامدار، به عنوان اساتید بنده و همچنین در مقام داوران پایان نامه حاضر با ارشادات خود باعث هر چه بهتر شدن این تحقیق شدند، نهایت سپاس و قدر شناسی را دارم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات ایشان را سپاس گوید.

تقدیم به:

سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و شهدای دشت کربلا،

برادر شهیدم فاروق رئوف که با جان فشانی خود راه ایشان را ادامه داد...

و تقدیم به پدر و مادر مرحوم خویش که در تربیت مادی و معنوی من از هیچ فداکاری دریغ ننمودند.

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	فصل اول: مقدمه و کلیات
۳	۱- مقدمه و کلیات
۳	۱-۱ مقدمه
۴	۱-۲ بیان مسئله
۹	۱-۳ ضرورت انجام تحقیق
۱۰	۱-۴ اسوابق پژوهش
۱۱	۱-۵ اسؤالات تحقیق
۱۱	۱-۶ فرضیه ها
۱۲	۱-۷ اهداف تحقیق
۱۳	۱-۸ انوآوری تحقیق
۱۳	۱-۹ اروش تحقیق
۱۳	۱-۱۰ ساختار تحقیق
۱۵	فصل دوم: مفهوم شناسی خسارت معنوی، جایگاه فقهی و حقوقی آن
۱۶	۲- مفهوم شناسی خسارت معنوی، جایگاه فقهی و حقوقی آن
۱۶	۲-۱ مفهوم مسئولیت مدنی
۱۹	۲-۲ مفهوم جبران خسارت و انواع آن
۱۹	۲-۲-۱ مفهوم خسارت

۲۳	۲-۲-۲ انواع خسارت
۲۳	۲-۲-۲-۱-۲-۲-۲ خسارت مادی
۲۴	۲-۲-۲-۲-۲ خسارت عدم النفع
۲۶	۲-۲-۲-۳ خسارت معنوی و منابع آن
۲۶	۲-۲-۲-۳-۱ مفهوم خسارت معنوی و اقسام آن
۲۶	۲-۲-۲-۳-۱-۱ خسارت معنوی
۲۹	۲-۲-۲-۳-۱-۲ اقسام خسارت معنوی
۳۱	۲-۲-۲-۳-۳ منابع خسارت معنوی
۳۵	۲-۲-۲-۳-۳-۳ معیار تشخیص خسارت معنوی
۳۸	۲-۲-۲-۳-۴ جایگاه خسارت معنوی در فقه و مبانی آن
۴۳	۲-۲-۲-۳-۴-۱ قاعده لاضرر
۴۸	۲-۲-۲-۳-۴-۲ قاعده انصاف
۴۹	۲-۲-۲-۳-۴-۳ قاعده نفی عسر و حرج
۴۹	۲-۲-۲-۳-۴-۴ لزوم حفظ حرمت اشخاص
۵۴	فصل سوم: مبانی حقوقی و شیوه های جبران خسارت معنوی در حقوق ایران
۵۵	۳- مبانی حقوقی و شیوه های جبران خسارت معنوی در حقوق ایران
۵۵	۳-۱ جایگاه خسارت معنوی در حقوق و مبانی آن
۵۵	۳-۱-۱ قانون اساسی
۵۶	۳-۱-۲ قوانین عادی ماهوی

۵۶	۳-۱-۲-۱ قانون مسئولیت مدنی
۵۸	۳-۱-۲-۲ قانون مدنی
۵۸	۳-۱-۲-۳ قانون مجازات اسلامی
۶۰	۳-۱-۳-۱ قوانین عادی شکلی
۶۰	۳-۱-۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری
۶۲	۳-۱-۳-۲ قانون آیین دادرسی مدنی
۶۲	۳-۱-۳-۳ قوانین ناظر بر اجرای عدالت قضائی
۶۵	۳-۲-۱ جبران خسارت معنوی در اندیشه های حقوقی
۶۶	۳-۲-۱ امکان یا عدم امکان جبران خسارت معنوی بصورت مالی در دکترین های حقوقی
۶۶	۳-۲-۱-۱ مبانی نظریه عدم امکان جبران خسارت معنوی بصورت مالی
۶۸	۳-۲-۱-۱-۱-۱ دلیل فنی
۶۹	۳-۲-۱-۱-۱-۲ دلیل اخلاقی
۷۰	۳-۲-۲ مبانی نظریه مختلط
۷۳	۳-۲-۳ مبانی نظری امکان جبران خسارت معنوی
۷۷	۳-۳-۱ شیوه های جبران خسارت معنوی
۷۷	۳-۳-۱-۱ جبران عینی و امحای زیان معنوی
۸۰	۳-۳-۲ جبران خسارت از طریق اعاده حیثیت
۸۱	۳-۳-۳ روش خسارت اسمی یا نمادین
۸۲	۳-۳-۴ خسارت تنبیهی در تدارک زیان های معنوی از جرم

۸۳	۳-۳-۵- جبران خسارت مالی ناشی از خسارت معنوی و نحوه محاسبه آن
۸۳	۳-۳-۵-۱- روش جبران مالی خسارت معنوی
۸۵	۳-۳-۵-۲- نحوه محاسبه مالی خسارت معنوی
۹۱	فصل چهارم: روش های غیر مادی جبران خسارت و مصادیق عمده خسارت معنوی
۹۲	۴- روش های غیر مادی جبران خسارت و مصادیق عمده خسارت معنوی
۹۲	۴-۱- روش های جبران غیر مالی خسارت معنوی
۹۵	۴-۲- مصادیق تعیین خسارت معنوی
۹۵	۴-۲-۱- جبران زیان معنوی ناشی از خسارت مازاد بر دیه
۱۰۲	۴-۲-۲- تعیین میزان خسارت در صدمات روحی و شخصیتی
۱۰۸	۴-۲-۳- جبران خسارت معنوی در روابط زوجین
۱۰۸	۴-۲-۳-۱- مصادیق خسارت معنوی در روابط زوجین
۱۰۸	۴-۲-۳-۱-۱- تخلف از تعهدات معین
۱۱۰	۴-۲-۳-۱-۲- تخلف از شروط ضمن عقد
۱۱۱	۴-۲-۳-۱-۳- خسارت معنوی از جانب زوج
۱۱۱	۴-۲-۳-۱-۴- خسارت معنوی ناشی از نقض تعهدات کلی
۱۱۱	۴-۲-۳-۲- راهکار ترمیم خسارت معنوی ناشی از روابط زوجین
۱۱۴	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۱۵	۵-۱- نتیجه گیری
۱۲۰	۵-۲- پیشنهادها

۱۲۲

منابع و مأخذ

۱۳۰

پیوست

۱۳۱

چکیده انگلیسی

چکیده :

بنابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و موادی از قانون مسولیت مدنی، قاعده لاضرر و اصل جبران خسارات، غالب حقوقدانان به جبران خسارات معنوی تمایل نشان داده اند. اگرچه آرایه‌ی در برخی از محاکم ایران در این زمینه صادر شده، اما با عنایت به اظهار نظر شورای نگهبان مبنی بر عدم مشروعیت جبران خسارت معنوی به صورت مالی، همچنان رویه قضایی (غالباً) بر عدم پذیرش جبران خسارات معنوی بصورت مالی یا مادی استوار است. برای جبران خسارات، بهترین روش، اعاده کامل وضعیت زیان دیده به شرایط قبل از وقوع خسارت است، اما این روش در بسیاری از خسارات معنوی غیرممکن است ولی دادن معادل مالی آن، خسارت اسمی و خسارت تنبیهی و جبران غیرمالی خسارات معنوی از جمله روش‌هایی هستند که در بیشتر موارد قابل اعمال اند. از جمله موارد جبران خسارت معنوی بصورت غیرمادی، الزام به عذر خواهی (شفاهی یا کتبی)، درج حکم در جراید، جبران نمادین و اعاده حیثیت از زیان دیده به هر نحو ممکن است. البته راه‌های جبران خسارت معنوی را نمی‌توان حصری دانست زیرا در خسارت معنوی، امر مهم، جبران آن است و روش جبران، طریقت دارد و نه موضوعیت. اما در مجموع می‌توان بیان داشت که جبران مالی و انواع جبران‌های غیر مالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه و حقوق اسلامی قابل دفاع است. هدف از انجام این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی، پاسخ به اجمال‌گویی و شکست سکوت قانون در خصوص موارد مربوط به نحوه جبران صدمات معنوی به صورت همگون خواهد بود، بدین معنا که میان شیوه جبران خسارت معنوی، با خسارت وارد شده باید سنخیت نسبی برقرار باشد تا بتوان آن را به طور کامل یا قابل قبولی جبران نمود. همچنین تمهیداتی پیشنهاد شده تا از وقوع دوباره ضرر معنوی توسط زیان‌رسان جلوگیری نمود. به نظر می‌رسد، روش‌های غیر مالی تنها در صدمات معنوی کم‌اهمیت و جزئی کاربرد دارد و قانون‌گذار نیز به صورت مختصر بدان پرداخته است. لذا ضروریست قانون‌گذار با پیش‌بینی قوانینی گویا و جامع در راستای نحوه جبران خسارات معنوی از جمله جبران تکمیلی، جبران تلفیقی و همچنین جبران با اولویت معنوی که در این تحقیق آنها را طرق جبران به صورت همگون می‌نامیم، خلأ موجود را برطرف نماید.

کلیدواژه:

خسارت معنوی - جبران معنوی - جبران تکمیلی - جبران تلفیقی - جبران با اولویت معنوی - جبران همگون.

فصل اول:

مقدمه و کلیات

۱- مقدمه و کلیات

۱-۱ مقدمه

انسان در قبال حقوقی که از زندگی اجتماعی دارد، از منافع آن هم منتفع می شود. نقش قانون در این زمینه حفظ حقوق افراد جامعه است که منتج به انضباط اجتماعی می شود. در هر جامعه متمدن و پیشرفته علاوه بر بعد مادی افراد که باید مورد حمایت قانون قرار گیرد، ارزش ها و بعد معنوی اعضای جامعه هم باید از تعرض و تجاوز مصون بوده و از حمایت کامل قانون برخوردار باشد. توجه به این امر از جمله مسائلی است که از ابتدای خلقت آدمی مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف بوده است که در این میان علم حقوق سهم بسزایی داشته است؛ چرا که حمایت از این سرمایه های والای انسانی در عرصه اجتماع بر عهده قواعد و مقررات حقوقی می باشد.

در طی قرون اخیر مسائلی چون هتک حیثیت اجتماعی، اعتقادات ملی و مذهبی، ارزش های ملی و قومی، تألمات عاطفی و روحی ناشی از جرایم از جهات مختلف مد نظر قانونگذاران بوده است، به طوری که تعرض به این امور، کشمکش های طولانی را در پی داشته است. در مقابل، در جوامعی که قانون حاکم است حمایت از سرمایه های معنوی مورد تصریح و حمایت مقنن قرار گرفته است، لذا هر نوع هتک حرمت به شرافت و کرامت انسانی و هر نوع ضرر و زیان معنوی ممنوع بوده و مستوجب مجازات می باشد. اما در مورد نحوه جبران خسارت، از دیرباز اختلاف نظر وجود داشته و دارد، به طوری که عده ای از حقوقدانان می گویند، گاهی اقدامات واقع شده بر سرمایه های معنوی، دارای اثرات روحی و روانی ناگواری است که علی الاصول قابل سنجش و تقویم نبوده و نمی توان آن را با پول ارزیابی نمود به همین دلیل این خسارات را جبران ناپذیر می دانند. به زعم آنها گاهی طبع ظریف و روح لطیف برخی از مردم و فرهنگ و ارزش های جامعه به گونه ای است که جبران این گونه خسارات به طرق مادی رنج و درد

بیشتری را به بار می آورد، با این وجود ممکن است شرایط و اوضاع و احوال، اقتضای دیگری داشته باشد، بدین معنی که، اگرچه در بعضی موارد پرداخت مادی در قبال خسارت معنوی، جبران کننده نیست اما ممکن است خشنود کننده باشد.

در هر حال می توان گفت که یکی از مهمترین و بارزترین حقوق هر انسانی، برخورداری و حمایت از حقوق معنوی است. اموری که اگرچه خیلی نمایان نمی باشند، لیکن در صورتی که لطمه ای به این حقوق وارد شود، آثار سوء و آشکاری را در روابط افراد و شخصیت و عواطف انسانی می گذارد و حتی آثار آن در لطمه به حقوق معنوی او ختم نمی گردد و اغلب موجب لطمه به حقوق مادی وی نیز می گردد. لذا شناسایی حقوق معنوی از آن جهت که به سادگی و در دید اول رخ نمی نمایند امری است دقیق، لیکن این موضوعات آنگاه مورد توجه ویژه قرار می گیرد که به نوعی لطمه به آن ها وارد شده باشد و بروز ظاهری داشته باشند.

این تحقیق در درجه اول به شناخت اوصاف و ویژگی های خسارات معنوی می پردازد تا ضمن تعیین و شناسایی مفاهیم آن ها در صورت ورود لطمه راه های جبران آن را بیابد. سپس راه حل های غیر مادی جبران این نوع خسارت ها را تشریح نماید.

۲ بیان مسئله

تاریخ زندگی بشر نشان داده که چگونه در فقدان نظام جبران خسارات، به علت مسائل بسیار ساده و کم ارزش، نوع بشر با یکدیگر به نزاع پرداخته و گاهی این نزاع ها تا سالیان بسیار سبب جنگ و خونریزی شده است و همواره ورود خسارات به اشخاص، اعم از عمدی و سهوی، مبنای اختلاف و درگیری در جوامع را تشکیل می داده. بنابراین به ناچار باید در هر نظام حقوقی نسبت به آن مقرراتی پیش بینی گردد.

از گذشته دور، جبران خسارت های مالی که بیشتر جلوه مادی دارد به طور صریح در قوانین کشورهای مختلف پذیرفته شده است و تمام نظام های حقوقی این گونه خسارت ها را قابل جبران می دانند و بر این اساس امکان جبران این نوع خسارت با مراجعه به دادگاه و اثبات زیان وجود دارد و بدون تردید مشمول ادله عقلایی چون لاضرر می گردد (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰).

در مورد خسارت معنوی نیز چه قبل از پدید آمدن ادیان و چه بعد از آن بشر در زندگی اجتماعی اش، به سامان بخشی مناسبات اجتماعی بر پایه اخلاق و ارزش های انسانی اهتمام ورزیده و همواره جبران این نوع از خسارت را مورد توجه خاص قرار داده است. شاهد این قضیه نیز با بررسی در حقوق کشورهای کهن مانند ایران و رُم و قوانین مختلف گذشته سومریان و بابلیان و قانون حمورابی خود را به نحو شاخص نشان می دهد. ادیان الهی نیز در اصل لزوم جبران ضرر و زیان وارده به اشخاص اعم از مادی و معنوی اشتراک نظر دارند، ولی موضع گیری آن ها در زمینه تدارک آن یکسان نیست؛ زیرا موضع گیری آن ها متناسب با مقتضیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که در آن جامعه پیدایش یافته اند.

نکته قابل توجه در اینجا است که خسارات معنوی به علت ماهیت غیرمادی و غیرمالی آن و همچنین سختی مقایسه و تقویم آن با امور مالی و یا مرسوم نبودن چنین ارزیابی، نسبت به امکان جبران آن، اختلاف نظرهایی به وجود آمده است؛ ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که در اکثر نظام های حقوقی جبران این گونه خسارات مشمول قاعده جبران خسارت دانسته شده و از این حیث تفاوتی با خسارت های مالی ندارد، ولی در برخی از نظام های حقوقی در امکان جبران آن تردید شده است.

در نظام حقوقی ما، با توجه به پاره ای اظهارنظرها از سوی مراجع قانونی چون شورای نگهبان و شورای عالی قضایی سابق مبنی بر عدم امکان جبران این خسارت (معنوی) به نحو مادی، تردیدها و اشکالاتی را به وجود آورده بود ولی خوشبختانه حقوقدانان با نگاهی عمیق و دقیق و با مطالعه منابع فقهی

و اسلامی و با پیش بینی جبران خسارات در قوانین کشورمان و عدم نسخ آن قوانین، علی الخصوص تأیید و تصویب آن در برخی از اصول قانون اساسی به عنوان قانون مادر و میثاق ملی بویژه اصل ۱۷۱ قانون اساسی^۱ سدّ تردید را شکسته و رویه قضایی را به سمت و سوی جبران این نوع از خسارت سوق داده است است و در سال های اخیر آرای را از محاکم می توان مشاهده نمود که بسیار مستدل، مستند و تحسین برانگیز است. از جمله این آراء که بسیار دقیق و با ظرافت خاص به این مسأله پرداخته، پرونده موسوم به هموفیلی ها می باشد که دولت را مؤظف به جبران خسارت معنوی افراد نموده و با استقبال حقوقدانان روبرو گشته است. اخیراً نیز با ورود ماده ۱۴ و تبصره ۱ آن از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه های بعدی آن ضمن اشاره به جبران خسارات معنوی به نفع شاکی، اقدام به تعریف آن نموده و علاوه بر جبران خسارات معنوی به صورت مادی، جبران آنها به طریق معنوی یا همگون را نیز محترم دانسته و حتی مصادیقی برای آن عنوان نموده است.

با توجه به کثرت بروز این نوع خسارت ها در جامعه امروز و اهمیت آن و نیز سنگینی میزان آن به گونه ای که در بسیاری از موارد شدت خسارت وارده بر روح، روان، شخصیت، عواطف و احساسات فرد به مراتب سنگین تر از هر نوع خسارت مالی بوده و قابل مقایسه با آن نیست. از سوی دیگر تأکید اسلام بر عدالت، ممنوعیت، غیرمجاز بودن تعدی و تعرض به اشخاص و لزوم حفظ حرمت آن ها، مصونیت جان، مال و آبروی افراد، کرامت و ارزش والای شخصیت انسانی، نکوهش ظلم، این پرسش را مطرح می سازد که چگونه در یک نظام حقوقی مبتنی بر اسلام، که مقام انسانی و کرامت او دارای چنان اهمیتی است که آفرینش جهان برای او و در خدمت او، سجده ملائک در برابر او، دمیدن روح خداوند در وجود او بوده

^۱ - اصل یکصد و هفتاد و یکم: "هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد".

است و کشتن شخص یا شخصیت او چون کشتن تمام افراد بشر توصیف شده است، بر حق و عدالت و دادگستری تأکید گردیده است و ایراد ظلم هر چند ناچیز، زشت و قبیح شمرده شده است، اما خسارت های معنوی وارد بر روح، روان، احساسات، عواطف، شخصیت و تمامیت جسمانی اشخاص مورد بی توجهی قرار گرفته و راهی برای جبران آن پیش بینی نشده باشد؟!

چگونه می توان پذیرفت، در اسلام خسارت های مالی که از اهمیت کمتری نسبت به خسارت های معنوی برخوردارند مکانیزمی برای جبران وجود داشته باشد، ولی نتوان برای جبران خسارت های معنوی مکانیزمی را تعریف و طراحی نمود؟

با این تفصیل و با اشاره به آیه شریفه ۷۰ از سوره مبارکه اسراء که می فرماید: "ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم" و همچنین با اشاره به آیه شریفه ۱۹۴ از سوره مبارکه بقره از قرآن کریم است که می فرماید: "به طور کلی هرکس به شما تجاوز کرد همانند آن بر او تعدی کنید"، در این تحقیق کوشش شده بر آن باشیم که اولویت جبران، جبران خسارت به مثل آن و یا در حقیقت، همگون بودن در طریق جبران خسارات معنوی در حق انسان و در خور مقام او باشد.

از سوی دیگر در میان شاخه های حقوق مدنی، مسئولیت مدنی رشته ای جوان است. اما به رغم این جوانی ریشه ای کهن و مستقر در حقوق دارد. با وجود آن که از زمان استقلال این رشته حقوق مدنی دیری نمی گذرد، لکن پیش از آن نیز به تحول خود در بطن سایر رشته های حقوق نظیر حقوق قراردادها و حقوق کیفری ادامه می داده است (غمامی، ۱۳۷۶). حقوق مسئولیت مدنی در صدد است تا در نقطه ای که می توانیم آن را نقطه تعادل بنامیم حق امنیت زیان دیدگان را با حق آزادی و فعالیت واردکنندگان زیان جمع کند (بادینی، ۱۳۸۴).

با پیشرفت تمدن و پیشرفت علم و فناوری، وقوع زیان های احتمالی نیز بیشتر شد و هر اندازه که روابط حقوقی مردم در اثر ارزیابی وسایل تولید و ترقی سطح زندگی وسیع تر می شد، بر تنوع ضرر و زیان های حاصله نیز افزوده شد. در میان خسارات وارده از عمل دیگری انواع مختلفی از زیان وجود دارد که خسارت معنوی یکی از این نوع خسارات ها می باشد. بحث از خسارات معنوی و مصادیق مختلف آن و روش محاسبه و جبران زیان های معنوی و در نهایت رویه محاکم قضائی در مقام رسیدگی به دعاوی راجع به این گونه خسارات از موضوعات جالب و در عین حال نسبتاً پیچیده علم حقوق و تحقیقات حقوقی است. لذا در این تحقیق سعی می شود تا ابتدائاً از منظر فقهی، تاریخی و روایی به تبیین موضوع صدمات معنوی و نحوه جبران آنها پرداخت و سپس با بررسی نظرات و فتاوی معتبر به کاربرد و دایره شمول آن در قوانین موضوعه خصوصاً از باب حقوقی بپردازیم تا بالاخره با تعریف درست از زیان به این نتیجه برسیم که آیا انسان امروزی می تواند جبران زیان هایی که در اثر ضربه ها و ضررهایی که بر عواطف، آبرو و اعتبار و شخصیت او در اثر اعمال و رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی به او وارد می شود (که در مجموع آن را زیان یا صدمات معنوی (غیرمادی) نامیده ایم) را مطالبه کند؟

۳-۱ ضرورت انجام تحقیق

اگرچه در بعضی از موارد هم مشاهده می شود که قانونگذار از جبران ضررهای غیرمادی یا معنوی در قوانین مختلف سخن گفته است، اما در رابطه با نحوه جبران نوع خاصی از ضررهایی که غیرمادی بوده که ما آنها را معمولاً عاطفی یا احساسی و درونی می نامیم، تدابیر خاصی اتخاذ ننموده و یا اصولاً قوانینی در مورد آنها تصویب نشده، به نحوی که قانونگذار جهت جبران معنوی (همگون) آنها معیارهای خاصی تعریف ننموده و اصطلاحاً سکوت اختیار نموده است. اگرچه همان طور که اشاره شد در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون